



تهیه و تنظیم: معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی
ناشر: زائر رضوی
چاپخانه: مؤسسه فرهنگی قدس
شمارگان: ۵۰۰۰
نشانی: مشهد، حرم مطهر، صحن پیامبر اعظم (ص)،
باب الجواد (ع)، اتاق ۲۲، سامانه توزیع
کد پستی: ۹۱۳۴۸۴۳۱۷۶ تلفن: ۰۵۱-۳۲۲۴۰۶۰۵
@nashr_zaerrazavi
سامانه پیامکی دریافت پیشنهادها و انتقادات: ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲



- ۲ پیام رهبر معظم انقلاب (ع) در پی شهادت سیدحسن نصرالله
- ۳ سخنان تولیت محترم آستان قدس رضوی، به مناسبت شهادت سیدحسن نصرالله
- ۴ تولد در بیروت
- ۴ دوران نوجوانی
- ۵ عضو پانزده ساله جنبش امل
- ۵ از بعلبک تا نجف اشرف
- ۶ بازگشت به بعلبک
- ۶ نوزاد بهشتی ابوزینب
- ۶ اجازه استثنائی
- ۶ متن حکم امام
- ۷ اختلاف در جنبش امل
- ۷ تأسیس حزب الله
- ۸ در محضر روح الله
- ۸ حزب الله و ولایت فقیه
- ۹ در محضر کریمه اهل بیت (ع)
- ۹ رابط حزب الله با جمهوری اسلامی ایران
- ۱۰ سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب الله
- ۱۰ شهادت سیدهادی
- ۱۱ نبرد ۳۳ روزه
- ۱۲ در سایه ولایت
- ۱۲ منش اخلاقی سیدحسن
- ۱۳ روح الله از نگاه نصرالله
- ۱۳ لبیک یا حسین
- ۱۴ مزدوران اسرائیل
- ۱۵ طوفان استواراندیشی!
- ۱۶ تا قله راهی نیست

پیام رهبر معظم انقلاب علیه السلام در پی شهادت سید حسن نصرالله

انا لله وانا اليه راجعون

ملت عزیز ایران

امت بزرگ اسلامی

مجاهد کبیر، پرچمدار
مقاومت در منطقه، عالم
بافضیلت دینی و رهبر مدبر
سیاسی، جناب سید حسن
نصرالله (رضوان الله علیه)، در
حوادث دیشب لبنان، به فیض
شهادت نائل آمد و به ملکوت
پرواز کرد.

سید عزیز مقاومت پاداش
دهها سال جهاد فی سبیل الله
و دشواریهای آن را در خلال
یک پیکار مقدس دریافت
کرد، در حالی شهید شد که
سرگرم طراحی برای دفاع از

مردم بی پناه ضاحیه بیروت و خانههای ویران شده
و عزیزان پرپر شده آنان بود، همچنان که دهها سال
برای دفاع از مردم ستمدیده فلسطین و شهر و
روستای غصب شده و خانههای تخریب شده و عزیزان
قتل عام شده آنان طراحی و تدبیر و جهاد کرده بود.
فیض شهادت پس از این همه مجاهدت، حق مسلم
او بود.

دنیای اسلام شخصیتی با عظمت را، و جبهه مقاومت
پرچمداری برجسته را، و حزب الله لبنان رهبری کم نظیر
را از دست داد؛ ولی برکات تدبیر و جهاد چندده ساله
او هرگز از دست نخواهد رفت. اساسی که او در
لبنان پایه گذاری کرد و به دیگر مراکز مقاومت، جهت
بخشید، با فقدان او نه تنها از میان نخواهد رفت که
به برکت خون او و دیگر شهیدان این حادثه
استحکام بیشتر خواهد یافت.

مقاومت
سید

۲

ویژنامه شهادت
سید حسن نصرالله

شهادت نصرالله بزرگ و یارانش را تبریک و تسلیت عرض میکنم

ضربات جبهه مقاومت بر پیکر فرسوده و روبه زوال رژیم صهیونی، به حول
و قوه الهی کوبنده تر خواهد شد. ذات پلید رژیم صهیونی در این حادثه، به
پیروزی دست نیافته است.

سید مقاومت یک شخص نبود، یک راه و یک مکتب بود و این راه
همچنان ادامه خواهد یافت. خون شهید سید عباس موسوی بر زمین
نماند، خون شهید سید حسن هم بر زمین نخواهد ماند.

این جانب به پدر بزرگوار و همسر گرامی سید عزیز که پیش از او، فرزندش
سید هادی را نیز در راه خدا داده، و به فرزندان گرامی اش و به خانوادههای
شهیدان این حادثه و به یکایک افراد حزب الله و به مردم عزیز و مقامات
عالیه لبنان و به سراسر جبهه مقاومت، و به مجموع امت اسلامی،
شهادت نصرالله بزرگ و یاران شهیدش را تبریک و تسلیت عرض می کنم
و در ایران اسلامی پنج روز عزای عمومی اعلام می نمایم. خداوند آنان را با
اولیائش محشور فرماید.

والسلام علی عباد الله الصالحین

سید علی خامنه ای

۱۴۰۳/۷/۷

سخنان تولیت محترم آستان قدس رضوی، به مناسبت شهادت سید حسن نصرالله



این سید مقاومت در مکتب امام خمینی رحمة الله علیه تربیت یافت و رشد کرد. ایشان در مقابل رهبر معظم انقلاب اسلامی حقیقتاً خود را یک سرباز تلقی می‌کرد و از معظم‌له تبعیت محض داشت و این ویژگی از رموز موفقیت این مجاهد بزرگ بود؛ از این جهت، رهبری معظم در پیامشان فرمودند: «سید حسن نصرالله یک راه و مکتب است.» هر نغمه شومی که تحت هر عنوانی، انقلاب‌گری یا غیرانقلابی‌گری، جایگاه ولایت را هدف قرار دهد یا بخواهد در باور، اعتماد و اعتقاد مردم به رهبری معظم کوچک‌ترین خللی، مستقیم یا غیرمستقیم، ایجاد کند، نفوذی دشمن است یا در زمین دشمن بازی می‌کند....



صهیونیست جنایتکار تصور می‌کند با شهادت این بزرگان و ریختن خون پاک این مجاهدان فی سبیل‌الله، موانع تجاوزگری و ظلمشان برداشته می‌شود؛ اما نمی‌داند که به اذن الهی از خون پاک شهید سید حسن نصرالله، صدها مجاهد و نصرالله دیگر خواهد جوشید.

خون شهدا، رژیم صهیونیستی را به زوال خود نزدیک‌تر می‌کند و به اذن الهی از خون پاک شهید سید حسن نصرالله، صدها مجاهد و نصرالله دیگر خواهد جوشید. سید حسن نصرالله در فکر، گفتار و عمل محکم بود، همواره سخنان و مواضع ایشان در اتفاقات منطقه تأثیرگذار بود و سیاستمداران عالم به سخنان و مواضع او توجه می‌کردند. در قامت یک سیاستمدار برجسته در سطح بین‌الملل مطرح و از هوش سرشار، شناخت صحیح، تحلیل دقیق از مسائل منطقه و جهان با بیان قوی و قاطع برخوردار بود....

تولد در بیروت



سیدحسن نصرالله در ۳۱ اوت ۱۹۶۰ میلادی (۹ شهریور ۱۳۳۹) در محله فقیرنشین کرنیتینا، در بخش شرقی بیروت متولد شد. پدرش سیدعبدالکریم، اهل روستای بازوریه از توابع شهر صور در جنوب لبنان بود. او به بیروت مهاجرت کرد و در محله کرنیتینا مغازه میوه‌فروشی داشت.

سیدحسن بزرگ‌ترین فرزند خانواده است، سه برادر و پنج خواهر دارد.^۱

۱. نشریه شاهد یاران، ش ۱۱، ص ۸.

دوران نوجوانی

دوران کودکی و نوجوانی سیدحسن در حومه بیروت گذشت. او تحصیلات ابتدایی را در مدرسه النجاج در شرق بیروت و بخشی از تحصیلات متوسطه را در دبیرستان التربویه در محله مسیحی نشین سن الفیل گذراند. در این سال‌ها، برای کمک، به مغازه پدر می‌رفت، مغازه‌ای که بر دیوارش عکس امام موسی صدر، رهبر شیعیان لبنان آویزان بود. او که در سنین نوجوانی تحت تأثیر رفتار و سخنان امام موسی صدر قرار گرفته بود، به محله البرج در مرکز شهر بیروت و میدان شهدای کنونی می‌رفت و از دست‌فروش‌ها کتاب‌های دست‌دوم اسلامی و سیاسی را می‌خرید.

اگرگاهی کتاب علمی و فکری خاصی به دست می‌آورد و نمی‌توانست محتوایش را درک کند، آن را کنار می‌گذاشت تا وقتی بزرگ شد، بخواند.^۱

۱. نشریه شاهد یاران، ش ۱۱، ص ۹.



نقشه شهادت

۴
ویژنامه شهادت
سیدحسن نصرالله

عضو پانزده ساله جنبش امل



در جنوب لبنان کوچ کرد و تحصیلات دبیرستانی را در شهر صور ادامه داد. او در روستای بازوریه به صفوف جنبش امل پیوست. این پیوستن بر اساس میل قلبی او بود؛ چون مانند همه مردم جنوب لبنان به امام موسی صدر، بنیانگذار جنبش امل، علاقه فراوان داشت. روستای بازوریه در آن روزها همچون سایر مناطق لبنان، جولانگاه روشنفکران چپ‌گرا، به‌ویژه هواداران حزب کمونیست لبنان یا گروه‌های فلسطینی بود. به هر حال دیری نپایید که سیدحسن و برادرش سیدحسین با آنکه جوان بودند، مسئولیت جنبش امل در روستای بازوریه را بر عهده گرفتند.^۲

۲. جواد محمد زمانی و هادی الیاسی، مسیح لبنان، زندگینامه سیدحسن نصرالله، ص ۹.

رهبر شیعیان لبنان، امام موسی صدر، در روزهای آغازین سال ۱۹۷۵م (۱۳۵۴ش) ضمن خطابه‌ای پرشور که به‌مناسبت سالگرد عاشورای حسینی ایراد کرد، مردم لبنان را به تشکیل گروه مقاومت نظامی در برابر تجاوز رژیم اشغالگر قدس و توطئه‌های مزورانه دولت اسرائیل برای بیرون‌راندن لبنانی‌ها از سرزمین‌های خویش فراخواند. هفت ماه بعد، در کنفرانسی مطبوعاتی به‌طور صریح تأسیس گروهی مسلح به نام «افواج مقاومت لبنانی (امل)» را در حیات سیاسی مذهبی کشور لبنان اعلام کرد.^۱

در همین سال و با آغاز جنگ‌های داخلی لبنان، سیدحسن پانزده‌ساله همراه خانواده به روستای بازوریه، زادگاه پدرش

۱. علی حجتی کرمانی، لبنان به‌روایت امام موسی صدر و دکتر چمران، ص ۲۷.

از بعلبک تا نجف اشرف

در آن ایام، شوق تحصیل علوم دینی لحظه‌ای سیدحسن جوان را آرام نمی‌گذاشت. وی به قشر روحانیت علاقه‌مند و وارد حوزه علمیه امام علی (ع) در شهر بعلبک شد. مؤسس این حوزه، امام موسی صدر بود و در آن زمان، به مدیریت شهید سیدعباس موسوی اداره می‌شد.

در این حوزه، علاوه بر سیدحسن نصرالله، آقایان شهید شیخ علی کریم، شیخ حسن یاسین و شیخ محمد خاتون نیز تحصیل می‌کردند و با وی هم‌درس بودند. در مدت حضور در جنوب لبنان با سیدمحمد غروی، امام جمعه شهر شیعه‌نشین صور آشنا شد. او سیدحسن را به تحصیل در حوزه علمیه نجف تشویق کرد و سرانجام سید عازم حوزه علمیه نجف شد.^۱

سیدمحمد غروی یادداشتی به سیدحسن داده بود که در آن، طلبه جوان به محضر آیت‌الله سیدمحمد باقر صدر، متفکر و عالم و مجاهد وارسته عراقی معرفی شده بود. هوش سرشار طلبه جوان و تلاش و جدیت او توجه و تشویق شهید صدر را جلب کرد، به‌طوری که از شهید سیدعباس موسوی خواست بر وضعیت علمی نصرالله نظارت داشته باشد و به او کمک کند. بدین ترتیب روابط دوستانه و صمیمانه میان این دو شکل گرفت. در حقیقت سیدعباس نه فقط دوست و برادر بزرگ‌تر سیدحسن، بلکه استاد و رفیق راه او نیز بود. دیدار شهید صدر برای سیدحسن جوان سراسر لطف بود.

۱. محسن کمالیان و علی اکبر رنجبر کرمانی، عزت شیعه، ج ۲، ص ۵۸۴.



اجازة استثنائی

پیش از ظهر روز ششم آبان ۱۳۶۰، یاران جنبش امل به همراه سیدحسن نصرالله، در جماران به حضور امام خمینی رحمة الله علیه رسیدند. آن روز سیدحسن نصرالله که طلبه‌ای ۲۱ ساله بود، حکم اجازه اخذ وجوهات شرعیه را از امام دریافت کرد. این در حالی بود که امام خمینی رحمة الله علیه به ندرت چنین اجازه‌ای را به کسی اعطا کرده بود. شیخ صبحی طفیلی از سران مقاومت، هفت سال بعد (۱۳۶۷ آبان) و شهید سیدعباس موسوی، اولین دبیرکل حزب الله، نیز در ۲۰ بهمن ۱۳۶۶ اجازه تصرف در امور حسبه و شرعیه را به امر امام دریافت کردند.^۱

۱. حامد حجازی، یک لبنان مقاومت یک اسرائیل ادعا، ص ۹۳.

سیدحسن نصرالله با تأسی به سیره شهید صدر، در نجف نیز دست از مبارزه برداشت تا اینکه در سال ۱۳۵۷ عراق را مخفیانه و به دور از چشم نظام بعثی صدام حسین که در آن روزگار به طور فجیعی بر ضد حوزه‌های علمیه شوریده بود، ترک کرد.

سیدحسن نصرالله پس از بازگشت به لبنان، قبل از هر چیز علاقه داشت تحصیلات حوزوی خود را ادامه دهد. مدتی نگذشته بود که سیدعباس موسوی با همکاری تعدادی از علمای دینی لبنان، حوزه علمیه امام منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف را در شهر بعلبک تأسیس کرد. این حوزه از جمله مراکز نمونه به شمار می‌رفت و نقش بسیار مؤثر تبلیغی در منطقه بقاع و سایر مناطق همچون بیروت و جنوب لبنان داشت. سیدحسن نصرالله در این حوزه، هم در سطوح بالاتر درس می‌خواند و هم به طلاب جدید درس می‌داد.^۱

۱. جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، گلشن ابرار، ج ۵، ص ۴۹۴.

متن حکم امام

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام
على محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على
اعدائهم اجمعين.
و بعد، جناب حجة الاسلام آقای حاج
سیدحسن نصرالله (دامت افاضاته) از طرف
این جانب مجازند در تصدی امور حسبه
و اخذ وجوه شرعیه و مصرف مظالم عباد و
زکوات و کفارات در مصارف مقرر شرعیه و
درمورد سهمین مبارکین نیز مجازند در اخذ
و صرف آن در مخارج خودشان به نحو اقتصاد
و درمورد مازاد بر مخارج نیز مجازند نصف آن
را در مخارج سادات عظام (کثر الله امثالهم) و
ترویج شریعت مقدسه صرف نموده و نصف
دیگر را ارسال دارند.
واوصیه (ایده الله تعالی) بما اوصی به السلف
الصالح من ملازمة التقوى و التجنب عن
الهوى و التمسك بعروة الاحتياط فى امور
الدين و الدنيا و ان لانیسانی من صالح
دعواته.
و السلام علیه و على اخواننا المؤمنین و
رحمة الله و برکاته.^۱

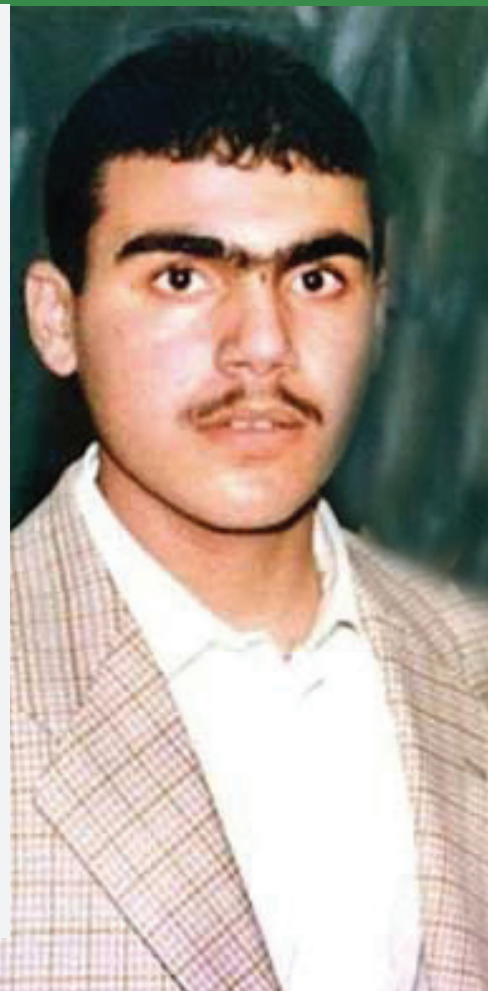
روح الله الموسوی الخمينی

۱. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمة الله علیه، صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۳۸.

نوزاد بهشتی ابوزینب

سیدحسن نصرالله در سال ۱۹۷۸م (۱۳۵۷ش)، در ۱۸ سالگی با بانوفاطمه یاسین از روستای العباسیه واقع در شهرستان صور ازدواج کرد. یک سال بعد، اولین فرزندش را گرم در آغوش گرفت و در گوش او اذان و اقامه گفت. این نوزاد بهشتی، سیدمحمد هادی نصرالله بود.

از آغازین روزهای کودکی، نشانه‌های نبوغ، تیزهوشی، ثبات شخصیت، مهربانی، خدمتگزاری و فروتنی در سیمای او هویدا بود. سیدمحمد هادی در ۱۷ سالگی به شهادت رسید.



اختلاف در جنبش امل



جنبش امل در ابتدای سال ۱۹۷۵ میلادی، به رهبری امام موسی صدر با هدف دفاع از شیعیان لبنان و مقابله نظامی با اسرائیل شکل گرفت.

سال ۱۹۷۸، امام موسی صدر به دعوت معمر قذافی به لیبی رفت و در آنجا به نحو مرموزی ربوده و ناپدید شد. بعد از امام موسی صدر، رهبری امور جنبش بر عهده شهید مصطفی چمران قرار گرفت. با شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی رحمة الله علیه، شهید چمران به ایران برگشت و از سال ۱۹۷۹، نبیه بری رهبری جنبش امل را به عهده گرفت.

سیدحسن نصرالله به موازات تحصیل در حوزه علمیه بعلبک، به فعالیت سیاسی در صفوف جنبش امل ادامه داد. در سال ۱۹۸۲م به عضویت کمیته سیاسی این جنبش برگزیده شد و مسئولیت سیاسی جنبش امل در منطقه بقاع را بر عهده گرفت. در همین سال و به دنبال یورش ارتش رژیم صهیونیستی به لبنان و اشغال بیروت، اختلافات سیاسی در جنبش امل افزایش یافت. این اختلافات بر سر موضع جنبش در برخورد

با تحولات سیاسی و نظامی لبنان و پیامدهای یورش اسرائیل به لبنان و اشغال بیروت به عنوان دومین پایتخت عربی پس از بیت المقدس، توسط نظامیان این رژیم پیش آمد و نقطه عطفی برای سیدحسن نصرالله و دوستان متدین و متعهد او در جنبش امل بود.

در پی سقوط بیروت، پنج تن از سیاستمداران لبنان به دستور رئیس جمهور وقت لبنان، جبهه نجات ملی را تشکیل دادند تا با فرستاده آمریکا و رژیم صهیونیستی مذاکره کنند.

در نتیجه این مذاکرات، طرح صلح فیلیپ حبیب فرستاده لبنانی تبار آمریکا پذیرفته شد. مشارکت نبیه بری، رئیس جنبش امل، در کمیته نجات ملی و توافق با طرح صلح، انعکاس وسیعی میان شیعیان و جنبش امل داشت و باعث نارضایتی شدید آنان شد، به گونه‌ای که برخی از کادرهای جنبش امل و به ویژه سیدحسن نصرالله به مخالفت با نبیه بری برخاستند و هواداران جنبش به صورت خودجوش، مقاومت علیه ارتش رژیم صهیونیستی را ادامه دادند.

تأسیس حزب الله

با بروز اختلاف در سیاست‌های راهبردی، مقدمات انشعاب در جنبش امل فراهم شد. سیدحسن نصرالله همراه با تعداد بسیاری از کادرهای درجه اول جنبش امل، همچون سیدعباس موسوی، سیدحسین موسوی، شیخ صبحی طفیلی و سیدابراهیم الامین، از این جنبش کناره‌گیری کردند و هسته اولیه حزب الله را به وجود آوردند. سرانجام تشکیلات حزب الله در سال ۱۹۸۹م (۱۳۶۳ش) با انتشار بیانیه سرگشاده‌ای به نام «پیام به مستضعفین جهان» موجودیت خود را به طور رسمی اعلام کرد.

به موازات فعالیت‌های نظامی رزمندگان مقاومت اسلامی و پیش از صدور بیانیه رسمی اعلام موجودیت، تلاش سران و بنیانگذاران حزب الله برای سازماندهی تشکیلات خود و یافتن چهارچوبی سیاسی ادامه یافت تا بتواند در آینده روحانیون و شخصیت‌های سیاسی مبارز را هماهنگ و منظم کند.

در محضر روح الله

بعد از اعلام موجودیت تشکیلات حزب الله، کمیته ای ۹ نفره از علمای بزرگ شیعه و شخصیت های مستقل تشکیل شد و با انتشار بیانیه ای، تعهد خود را به ولایت فقیه و جنگ با اسرائیل اعلام کرد. این کمیته هئیتی ۵ نفره را به نام «شورای لبنان» به ریاست شهید سیدعباس موسوی تشکیل داد و آن را برای ملاقات با امام خمینی رحمة الله علیه و کسب تکلیف شرعی از محضر ایشان به تهران اعزام کرد.



این هیئت در دیدار با امام، اهداف و برنامه های خود را شرح داد و سپس با ایشان بیعت کرد. امام خمینی رحمة الله علیه، به عنوان ولی امر مسلمانان، این شورا را تأیید کردند و از اعضای آن خواستند که راهشان را ادامه دهند. در این دیدار، شهید سیدعباس موسوی درباره اوضاع وقت لبنان و عزم اسلام گرایان برای مقابله با ارتش اسرائیل که بخش عظیمی از لبنان را اشغال کرده بود، صحبت کرد. امام در جواب فرمودند: «مهم عمل است. شما در مرحله کربلایی قرار دارید. توقع نداشته باشید که ثمره عملتان را در دوران حیات خود بچینید.»^۱

شورا پس از بازگشت به بیروت، کار ساماندهی و تهیه پیش نویس اساسنامه حزب الله و هماهنگی همه بخش ها و گروه های وابسته را آغاز کرد. همه فعالیت ها و برنامه ها در قالب حزب الله و خدمت به رزمندگان مقاومت و عملیات مسلحانه ضد صهیونیستی متمرکز شد.

از ابتدای تأسیس حزب الله و آغاز مقاومت اسلامی در لبنان، سیدحسن نصرالله در این حزب نقش اصلی ایفا کرد. وی پس از گذشت دو سال به بیروت انتقال یافت و به عنوان معاون مسئول حزب در آن شهر منصوب شد.

به مرور، تشکیلات حزب الله در سراسر لبنان گسترده تر و مسئولیت های سیاسی از تشکیلات سازمانی جدا شد. دیری نپایید که شورای اجرایی حزب تشکیل و در سال ۱۹۸۷م (۱۳۶۶ش) مسئولیت آن به سیدحسن نصرالله واگذار شد.

۱. مسعود اسداللهی، جنبش حزب الله لبنان، گذشته و حال، ص ۱۸۱.

حزب الله و ولایت فقیه

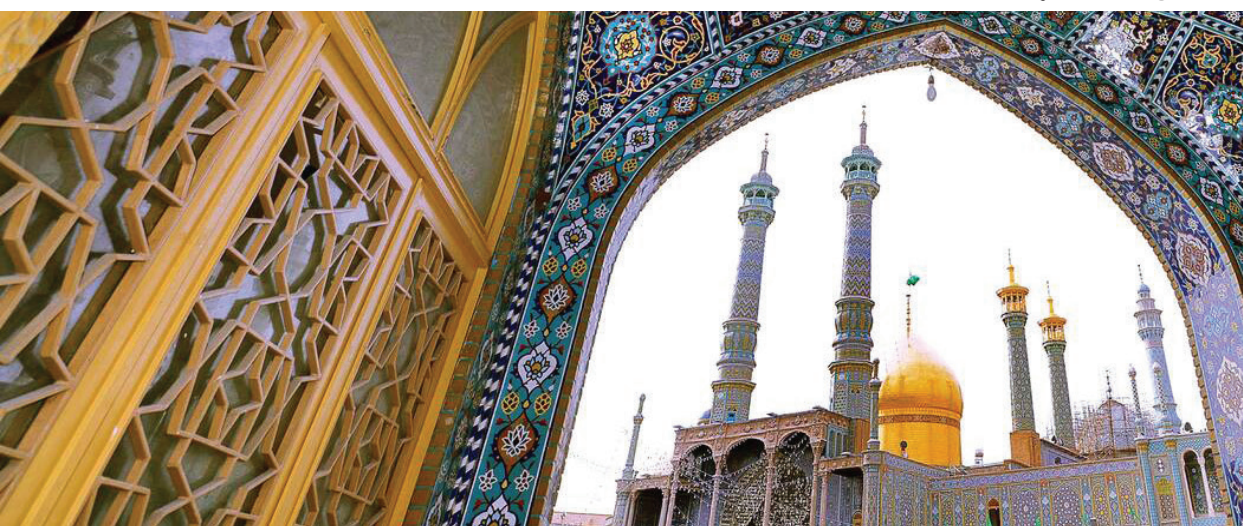
این ولایت فقیه و مرجعیت دینی شایستگی زعامت دینی سیاسی و رهبری مسلمانان را دارا می باشد. نقشی که روحانیون در ارکان مختلف حزب الله دارا هستند، در هیچ یک از احزاب و سازمان های لبنانی سابقه ندارد. از ابتدای تأسیس حزب الله تاکنون همواره اکثریت اعضای شورای حزب الله را روحانیون تشکیل می داده اند و ریاست شوراهای مهم حزب الله همچون شورای اجرایی یا شورای جهادی، همواره بر عهده یک روحانی بوده است. سخنگو، دبیرکل و معاون دبیرکل حزب الله همیشه از میان روحانیون انتخاب شده اند.^۱

۱. مسعود اسداللهی، جنبش حزب الله لبنان، گذشته و حال، ص ۱۷۴ و ۱۷۵.

اصلی ترین ویژگی حزب الله در مقایسه با گروه های اسلام گرای جهان عرب، پذیرش کامل نظریه ولایت فقیه و رهبری امام خمینی رحمة الله علیه است. این حزب در کتابچه ای که در خصوص تاریخچه و دیدگاه های خود انتشار داد، چنین بیان کرد: در خصوص ولایت امر، ما خود را به ولایت مرجعیت رشیدی پایبند می دانیم. ولایت در ولی فقیه جامع الشرایطی که عدالت، اعلیت، کفایت، آگاهی به مسائل روز، مدیریت، تقوا و سایر صفات لازم در او تجلی یافته است.

در محضر کریمه اهل بیت علیهم السلام

او به صورت نامنظم در بیشتر درس‌های بحث خارج فقه حوزه شرکت می‌کرد، از جمله کلاس‌های بحث آیت‌الله فاضل لنکرانی رحمة الله علیه و آیت‌الله سیدکاظم حائری. همچنین او از ابتدای پیوستن به طلبگی، علاقه وصف‌ناپذیری به علمای عارف و سالک داشت و در محضر بزرگانی چون آیت‌الله بهجت رحمة الله علیه و آیت‌الله کشمیری رحمة الله علیه حضور می‌یافت. پس از پایان اقامت در قم و بازگشت به بیروت، هر گاه به ایران می‌آمد، از برادران مسئول می‌خواست ملاقات او را با آیت‌الله بهجت رحمة الله علیه و آقای کشمیری رحمة الله علیه و علامه حسن‌زاده آملی رحمة الله علیه تدارک ببینند.



در سال ۱۹۹۰م (۱۳۶۹ش) با برقراری آرامش نسبی در لبنان، سیدحسن نصرالله که همچنان تشنه علوم و معارف اهل بیت علیهم السلام بود، توانست برادران خود را در شورای مرکزی حزب‌الله [برخلاف اراده و خواست آنان] متقاعد کند که عازم شهر قم شود. وی برای کسب دانش بیشتر و فراگیری بحث خارج فقه به قم آمد تا در کلاس درس شاگردان امام خمینی رحمة الله علیه شرکت کند و با کسب آگاهی و عرفان بیشتر، بتواند جنبش مقاومت اسلامی لبنان را غنی سازد. او قصد داشت دوسه سال با خدای خود خلوت کند، دانش و عرفان بجوید و با روحی سرشار از علم و معرفت به بیروت بازگردد؛ ولی برخی از اعضای شورای رهبری حزب‌الله در بیروت، سیدحسن را به حال خود نگذاشتند و به او اجازه ندادند به آرزوی دیرینه‌اش برسد. ویژگی‌ها و توانمندی‌های سرشاری که داشت، به مسئولان جمهوری اسلامی و حزب‌الله نگذاشت از استعدادها و توانمندی‌های او چشم‌پوشی کنند.

رابط حزب الله با جمهوری اسلامی ایران

وی در آن دو سال کوشید میان طلاب لبنانی قدیم و جدید حوزه علمیه قم ارتباط و هماهنگی به وجود بیاورد. برای آنان جلسات فرهنگی دایر کرد و از برخی شخصیت‌های ایرانی دعوت کرد برای طلاب لبنانی سخنرانی کنند. در آن مرحله، حجة الاسلام سیدعلی اکبر محتشمی‌پور و آیت‌الله مصباح یزدی دعوت شدند.

او با سایر طلاب خارجی حوزه علمیه قم نیز ارتباط برقرار کرد. نظر به اینکه او یک چهره حوزوی نبود و در حقیقت میهمان حوزه محسوب می‌شد، برخی از مدارس طلاب غیرایرانی از وی دعوت می‌کردند در مناسبت‌های سیاسی سخنرانی کند.

او افزون بر منسجم کردن طلاب لبنانی و طلاب کشورهای عربی، با طلاب پاکستانی و افغانی هم روابط دوستانه‌ای برقرار کرد و کوشید تجربه تأسیس حزب‌الله لبنان را به آنان منتقل کند. با بازگشت به لبنان، حوزه علمیه قم یکی از مجاهدان بزرگ و راستین خود را از دست داد و او به پایگاه اصلی خود بازگشت.^۱

از اقامت سیدحسن نصرالله در قم چند ماهی نگذشته بود که طبق معمول بحران‌های سیاسی لبنان دوباره آغاز شد. مسئولان حزب‌الله به تهران و قم آمدند و خواهان بازگرداندن او به بیروت شدند.

وی در ابتدای امر با بازگشت مخالفت کرد و هنگامی که شهید سیدعباس موسوی از بازگرداندن سیدحسن ناامید شد، گفت: «به این شرط اجازه می‌دهم در قم بمانید که موضوع روابط حزب‌الله با جمهوری اسلامی ایران را اداره کنید.»

سیدحسن نصرالله به اهمیت و حساسیت این پرونده آگاهی کامل داشت؛ اما جز اینکه آن را بپذیرد، چاره دیگری نداشت؛ بنابراین این دستور را برخلاف میل درونی خود پذیرفت. پس از عهده‌دار شدن این مسئولیت، بیشتر اوقات خود را در تهران می‌گذراند و روابط حزب‌الله با ایران را پیگیری می‌کرد.

او مرتب به تهران می‌رفت تا مأموریت جدید خود را ادامه دهد. پس از گذشت حدود دو سال اقامت در قم، به این باور رسید که نمی‌تواند به‌طور منظم تحصیلات علوم دینی را ادامه دهد و در نتیجه تصمیم گرفت به لبنان بازگردد.

۱. نشریه شاهد یاران، ص ۳۴ و ۳۵.

سید حسن نصرالله دبیرکل حزب الله



در سال ۱۹۹۲، هنگامی که سیدعباس موسوی، دبیرکل حزب الله لبنان، از مراسم سالگرد ترور راجب حزب به خانه برمی گشت، به همراه همسر و فرزند خردسالش، توسط هلی کوپترهای اسرائیلی ترور شد و به شهادت رسید.

به دنبال شهادت سیدعباس موسوی، سیدحسن نصرالله به اتفاق آرای اعضای شورای مرکزی حزب و درحالی که تنها ۳۲ سال داشت، به دبیرکلی حزب الله انتخاب شد. او در تشریح احساس خود پس از انتخاب به دبیرکلی حزب الله چنین می گوید:

حزب الله هیچ سنخیتی با مسئولیت های اجرایی نداشت؛ اما برادران شورای مرکزی پافشاری کردند این سمت را بپذیریم. ابتدا با این پیشنهاد مخالفت کردم و اصرار داشتم که شخص دیگری را انتخاب کنند. شورای مرکزی در پی مخالفت من، جلسه دیگری تشکیل داد و بار دیگر بر لزوم واگذاری دبیرکلی به من مهر تأیید زد و سرانجام آن را پذیرفتم.^۱

۱. نشریه شاهد یاران، ش ۱۱، ص ۱۱.

ایجاد کرد، به گونه ای که همه آحاد ملت لبنان از هر دین و مذهبی، تحت تأثیر شدید این واقعه قرار گرفتند. رهبران سیاسی لبنان نیز یکی پس از دیگری به دیدار سیدحسن نصرالله رفتند و ضمن گفتن تبریک و تسلیت، مراتب قدردانی و احترام خود را به دبیرکل حزب الله ابراز داشتند.

شهادت سیدمحمد هادی نشان دیگری بر سینه دبیرکل حزب الله زد که بیانگر آرامش و شجاعت او در پیگیری راه، به رغم چالش ها و خطرهای متعدد بود.^۱

۱. نعیم قاسم، حزب الله لبنان، خط مشی، گذشته و آینده آن، ص ۱۷۰ و ۱۷۱.



شهادت سید هادی

در ماه سپتامبر ۱۹۹۷ دو تن از رزمندگان حزب الله، در حمله به یکی از مواضع ارتش اسرائیل در منطقه جبل الرفیع در جنوب لبنان به شهادت رسیدند و پیکر آنان به دست نیروهای اسرائیلی افتاد. تلویزیون رژیم اسرائیل بدون اطلاع از هویت این دو نفر، تصویر خون آلود آنان را به نمایش گذاشت. به سرعت مشخص شد که یکی از این دو تن، سید هادی، فرزند سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب الله است. انتشار این خبر همانند بمبی در جامعه لبنان صدا کرد و تحول بسیار مهمی در پی داشت. در تاریخ لبنان، چه در زمان جنگ داخلی و چه در مقابله با تجاوز نظامی اسرائیل، هیچ گاه دیده نشد که فرزند یکی از رهبران گروه های سیاسی یا شبه نظامیان در راه مبارزه کشته شده باشد. این واقعه، موجی از احساسات جوشان هم دردی و احترام و شیفتگی به دبیرکل حزب الله را در میان همه طوایف مذهبی لبنان

مقاومت
سید

۱۰
ویژنامه شهادت
سید حسن نصرالله

نبرد ۳۳ روزه



گزیده‌ای از پیام رهبر معظم انقلاب علیه السلام خطاب به دبیرکل حزب الله، به مناسبت پیروزی در نبرد ۳۳ روزه با اشغالگران صهیونیستی

برادر مجاهد و بسیار عزیز، جناب آقای سیدحسن نصرالله
ادام الله عمره و عزه و عافیته.
سلام علیکم بما صبرتم.

درود بر شما و بر دیگربرادران و بر یکایک مجاهدان حزب الله.
آنچه شما با جهاد و مقاومت بی نظیر خود به امت اسلامی هدیه کرده‌اید، از حد توصیف این جانب بالاتر است. جهاد دلاورانه و مظلومانه شما که نصرت الهی را به شما ارزانی داشت، بار دیگر ثابت کرد که سلاح‌های مدرن و مرگ بار در برابر ایمان و صبر و اخلاص ناکارآمد هستند و ملتی که ایمان و جهاد دارد، مغلوب سیطره قدرت‌های ستمگر نمی‌شود. پیروزی شما پیروزی اسلام بود. شما توانستید به حول و قوه الهی ثابت کنید که برتری نظامی به ابزار و سلاح و هواپیما و ناو و تانک نیست، بلکه به قدرت ایمان و جهاد و فداکاری همراه با عقل و تدبیر است.

شما برتری نظامی خود را بر رژیم صهیونیستی تحمیل و تفوق معنوی خود را در ابعاد منطقه‌ای و جهانی تثبیت کردید، افسانه شکست‌ناپذیری و هیبت دروغین ارتش صهیونیست را به مسخره گرفتید و آسیب‌پذیری رژیم غاصب را به نمایش گذاشتید. شما به ملت‌های عرب عزت بخشیدید و توانایی‌های آنان را که ده‌ها سال به وسیله تبلیغات و سیاست‌های استکباری انکار شده بودند، در صحنه عمل به همه نشان دادید. آنچه اتفاق افتاد، حجتی از سوی خداوند بر همه دولت‌ها و ملت‌های اسلامی و به ویژه در منطقه خاورمیانه است...

دشمن، یعنی آمریکا و اسرائیل، از صبر و هوشمندی و دلاوری ملت لبنان غافل بود، از توانایی بازوان ستبر لبنان غافل بود، از سنت الهی ﴿كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾^۱ غافل بود. ملت لبنان و جوانان دلاور و سیاستمداران هوشمندش با سیلی سخت خود، او را از این غفلت بیرون آوردند.

به شما و دیگربرادران و دلاوران عرصه جهاد درود می‌فرستم و دست و بازوی همه شما را می‌بوسم.^۳

حزب الله مدت‌ها بود از حمله گسترده اسرائیل اطلاع پیدا کرده بود؛ از این رو چهارشنبه ۲۱ تیر ۱۳۸۵ به یک پایگاه سربازان رژیم صهیونیستی حمله کرد. در این عملیات، ۷ سرباز اسرائیلی هلاک شدند و ۲۱ نفر مجروح شدند. حزب الله ۲ سرباز اسرائیلی را نیز به اسارت درآورد. پس از آن، ارتش اسرائیل حمله خود را از زمین و دریا و هوا به لبنان آغاز کرد. سیدحسن نصرالله در سخنانی که از شبکه المنار پخش می‌شد، گفت: «پیروزی در نبرد همه‌جانبه در راه است».

به دنبال این سخنان، موج موشک‌های حزب الله آسمان شمال فلسطین را پر کرد. ناوچه پیشرفته رژیم صهیونیستی در نزدیکی ساحل لبنان منهدم شد. اکثر موشک‌های حزب الله به بندر حیفا اصابت کرد و بیشتر ساکنان شهرک‌های صهیونیستی از خانه‌های خود گریختند. آمریکا و انگلیس پیش‌نویس قطعنامه شورای امنیت درباره آتش‌بس را وتو کردند.

با شهادت حدود ۳۰ کودک در روستای قانا در جنوب لبنان، خشم مردم دنیا برانگیخته شد. از سویی دیگر، وحدت شگفتی در لبنان مبنی بر لزوم حمایت از حزب الله پدید آمد. تلاش ارتش اسرائیل برای پیاده کردن نیرو در شهر صور ناکام ماند. نیروهای این رژیم به دفعات در کمین‌گاه نیروهای حزب الله گرفتار و کشته و زخمی شدند. اسرائیل روزهای سختی را پشت سر می‌گذاشت. سیدحسن نصرالله پس از حمله هوایی ارتش اسرائیل به بیروت اعلام کرد اگر اسرائیل بار دیگر به بیروت حمله کند، به تل‌آویو حمله خواهد کرد.

تنها راه پیش‌روی این رژیم فشار بر آمریکا و شورای امنیت برای تصویب قطعنامه بود. شورای امنیت قطعنامه ۱۷۰۱ را تصویب کرد که در آن بر آتش‌بس فوری و حضور نیروهای حافظ صلح در مرز لبنان تأکید شده بود.

حزب الله بنا به مصلحت اعلام کرد در صورت موافقت دولت لبنان با این قطعنامه، آن را خواهد پذیرفت. سرانجام پس از ۳۳ روز مقاومت، خداوند پیروزی دیگری نصیب حزب الله کرد و نیروهای اسرائیلی با شکستی مفتضحانه خاک لبنان را ترک کردند.

دبیرکل حزب الله در نطقی تلویزیونی، ضمن تبریک پیروزی عظیم به مردم لبنان، اعلام کرد مرحله بعدی اقدامات حزب الله بازسازی مناطق ویران‌شده و بازگرداندن آوارگان به وطن خویش است.^۱

۱ «روز مقاومت پیروز»، روزنامه جمهوری اسلامی، ویژه‌نامه پیروزی حزب الله لبنان، شهریور ۱۳۸۵.

۲. بقره، ۲۴۹.

۳. نشریه شاهد یاران، ش ۱۱، ص ۴؛ بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام در ۲۵ مرداد ۱۳۸۵.

در سایه ولایت



در سال ۱۳۷۹، کنفرانس بین‌المللی فلسطین در تهران برگزار شد. بعد از سخنرانی رهبر معظم انقلاب، سیدحسن نصرالله در برابر چشم همگان و درحالی‌که مراسم از ده‌ها ایستگاه تلویزیونی به صورت زنده در سراسر جهان پخش می‌شد، در وسط سالن جلو آمد و متواضعانه بر دستان رهبر معظم انقلاب بوسه زد. بعد از آن در مصاحبه‌ای، از او دلیل این حرکت را در چنین فضایی پرسیدند. وی با صراحت پاسخ داد: «هدفم این بود که اگر در پی پیروزی بزرگ و آزادی جنوب لبنان و فرار ذلیلانه صهیونیست‌ها، مرا به عنوان قهرمان و محبوب‌ترین چهره جهان عرب مطرح کردند، به جهانیان نشان بدهم ما هر چه داریم، نتیجه پیروی و پیوند با ولی امر مسلمین است.»^۱

۱. نشریه شاهد یاران، ش ۱۱، ص ۲۴.

خاص خویش را دارد. بدون ذره‌ای شک و تردید، کادرهای خود را نوسازی و بازسازی می‌کرد و آن‌ها را به همراهی با تکنولوژی‌های روز تشویق می‌کرد و مهم‌تر از همه اینکه با تمام اعضا رابطه‌ای برادرانه داشت.

ویژگی دیگر سیدحسن نصرالله اهتمام به امر جوانان و توجه به نیازهای آن‌ها بود. دیدار وی با جوانان به عنوان دیدار رئیس و مسئول یک مجموعه با جمعی از اعضای این مجموعه نیست، بلکه آن‌ها از نیازها و خواسته‌های خود می‌گفتند و او نیز با تمام توان برای رفع آن تلاش می‌کرد. دراین باره، قصیر، مسئول روابط عمومی حزب‌الله گفته بود: «خوش‌رویی، یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد سید است. او در روابط عمومی و برقراری رابطه با دیگران بی‌همتاست.»

و در آخر باید گفت از ویژگی‌های مهم اجتماعی سیدحسن نصرالله، هم‌نشینی با رزمندگان بود. او عاشق زندگی با مجاهدان در حال مبارزه در جبهه بود، به همین دلیل در سال‌های ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ چندین بار مخفیانه و بدون اطلاع فرماندهان میدانی حزب‌الله، راهی خط مقدم شد.



منش اخلاقی سیدحسن

کاریزما یا ویژگی رهبری که در چهره‌اش موج می‌زد. مرگ برای وی چیزی جز دروازه ورود به دنیای آخرت نبود و بهترین دروازه را شهادت می‌دانست. وقتی فردی به شهادت می‌رسد، با گران‌بهاترین بخشش و هدیه الهی به آسمان‌ها عروج می‌کند و به شکلی بسیار متفاوت‌تر مورد استقبال قرار می‌گیرد؛ چراکه به اعتقاد وی حتی ملل غیرمسلمان نیز احترام بسیاری برای افرادی قائل هستند که زندگی خود را در راه وطن و هم‌میهنان خود فدا می‌کنند.

یکی از ویژگی‌های مهم شخصیتی وی صبوری در برابر نزدیکان و چشم‌پوشی در قبال دیگران بود؛ چون همیشه تأکید می‌کرد خود را وقف قضیه مهم‌تری به نام وطن و انسانیت و کرامت بشری کرده است. هیچ‌گاه خشم و غضب وی دیده نشده است، همواره با مسائل داخلی و خارجی با آرامش برخورد می‌کرد؛ چون باور داشت این رفتار موجب می‌شود انرژی خود را صرف کارها و رفتارهای بی‌مایه نکند که سودی از آن‌ها متصور نیست.

دفاع از مردم در برابر اشغالگران صهیونیست و از خودگذشتگی‌های بدون چشم‌داشت برای مردم از دیگر ویژگی‌های سید بود، دیدگاهی که در تمام سطوح جنبش قابل ملاحظه بود، به گونه‌ای که تاکنون فردی به وسیله اعضای جنبش در مناطق تحت اداره‌اش در سرتاسر جنوب لبنان، در معرض آزار و اذیت قرار نگرفته است.

نمی‌توان تعامل با دیگران، پذیرش افکار و دیدگاه‌های دیگران را در شخصیت دبیرکل حزب‌الله نادیده گرفت، موضوعی که مشوق بروز استعدادها و توانایی‌های نهفته در اعضای آن است. او ایمان داشت که هر انسانی استعداد و توانمندی

روح الله از نگاه نصرالله



از نظر ما، امام خمینی مرجع دینی و امام و رهبر به تمام معنای کلمه می باشد، همان گونه که هر رهبر بزرگ دینی در هر کیشی در جهان این گونه است؛ اما امام برای ما بیش از این است. ایشان سمبل و نماد انقلاب علیه طاغوت ها، مستکبران و نظام های استبدادی است، به طوری که موفق شد روح امید در جان های مستضعفان بدمد. ایشان نظریه اراده ملت ها در مقابل اراده مستکبران را احیا کرد. بدین ترتیب امام برای ما بیش از یک سمبل دینی مطرح است، نه تنها برای ما، بلکه برای همه مستضعفان جهان مطرح است. این رابطه روحی و معنوی بین ما و امام حتی قبل از تجاوز نظامی اسرائیل در سال ۱۹۸۲م نیز وجود داشت.^۱

۱. جنبش حزب الله لبنان، گذشته و حال، ص ۱۷۵.

لیک یا حسین

ما امروز در این میدان که سال هاست مناسبت های مقاومت را در آن برگزار و شهیدان مقاومت را در آن تشییع می کنیم و سال هاست در آن وفاداری و راستی بیعتمان با اباعبدالله الحسین (علیه السلام) را ثابت کرده ایم، می ایستیم و به یاد کربلا و سال ۶۱ هجری می افتیم که در چنین ساعت هایی حسین (علیه السلام) با افرادی اندک که مقابل چشمانش به شهادت رسیدند، در برابر خیل جنگجویان و دشمنان ایستاد و خطاب به تاریخ و همه نسل های آینده فریاد کشید، فریادی که همچنان از آن زمان که در صلب مردان و رحم زنان بودیم، در گوش ما طنین انداز است که: «هل من ناصر ینصرنی؟!»

«لیک یا حسین!» ما به این پیمان و دعوت پشت نخواهیم کرد. بله، مانند همه روزهای عاشورا، در کنار حسین (علیه السلام)، با تجربه ای که حسین رقم زد و آن را در تاریخ جاودانه کرد، و ما آن را در همه روزهای عاشورا تکرار می کنیم، تجدید بیعت می کنیم، به همه طاغوتان، متجاوزان، مفسدان، فرصت جویان و کسانی که به شکستن اراده، عزم و ایستادگی ما دل بسته اند، می گوییم ما فرزندان آن امام، آن مردان و آن زنان و برادران آن جوانانی هستیم که روز عاشورا با حسین ایستادند و این جمله حسین را خطاب به تاریخ گفتند که: «ألا إن الدعی بن الدعی قد رکز بین اثنتین بین السلة و الذلة و هیهات منا الذلة»^۱

۱ سخنرانی سید حسن نصرالله، دبیرکل حزب الله لبنان، در روز عاشورا ۱۴۳۴.



مزدوران اسرائیل

ما معتقدیم یزید این دوران که باید کربلایی، حسینی و زینبی با او مقابله کنیم، پروژه آمریکایی صهیونیزم است. پروژه‌ای که امت، تمدن، ادیان آسمانی، ملت‌ها و مقدسات ما را تهدید می‌کند. و ما در برابر این یزید، حسینی و زینبی بوده‌ایم و خواهیم ماند. و این نبرد برای ما در اولویت مطلق خواهد ماند. بنده اینجا خطر جابه‌جایی دوستان و دشمنان را به تمام جهان عرب و اسلام گوشزد می‌کنم. کسانی در جهان عرب و اسلام در حال تلاش سیاسی، رسانه‌ای و تربیتی هستند تا اسرائیل را دوست و ایران را دشمن جلوه دهند؛ ولی اسرائیل به‌خاطر سرشت جنگ‌طلب، جنایت‌آفرین، وحشی، نژادپرست، طغیان‌گر و جنگ‌افروزش به دوستانش در جهان عرب و اسلام کمک نمی‌کند و آنان را با تجاوزهای مکرر، هرساله و کم‌فاصله‌اش و با جنگ‌هایش علیه غزه، فلسطینیان و لبنان به زحمت می‌اندازد.

و آن دوستان ناگهان می‌بینند همه تلاش‌های چندساله‌شان برای معرفی اسرائیل به‌عنوان رژیم معمولی که امکان هم‌زیستی با آن وجود دارد و معرفی ایران به‌عنوان دشمنی که منطقه را تهدید می‌کند، به باد رفته. و بنده به شما می‌گویم همه نقشه‌ها و تلاش‌هایتان شکست خواهد خورد! نقشه‌هایتان نقش‌برآب است و این توطئه‌هایتان هیچ اثری نخواهد داشت؛ چون دارید تلاش می‌کنید یک حیوان وحشی را حیوانی اهلی و سربه‌راه جلوه دهید که می‌شود در کنار آن زندگی کرد! درحالی‌که اسرائیل این چنین نیست و شما را در این راه کمک نخواهد کرد و به‌خاطر سرشتش اصلاً نمی‌تواند در این زمینه به شما کمک کند و روزبه‌روز بیشتر برای ملت‌های عرب و مسلمان روشن می‌شود که جمهوری اسلامی ایران دوست عرب و همه مسلمانان و پشتیبان ملت‌های مستضعف و مظلومی است که سرزمین‌هایشان اشغال شده. و این همان چیزی است که طی نبرد اخیر نوار غزه و پیش از آن در لبنان بر آن تأکید شد.

می‌خواهم به همه ملت‌های جهان عرب و اسلامان تأکید کنم مراقب باشید. هر کس تلاش می‌کند اسرائیل را دوست جلوه دهد، بداند یا نداند، خدمتکار اسرائیل است، همچنان که هر کس سعی می‌کند ایران را دشمن جلوه دهد، بداند یا نداند، خدمتکار اسرائیل است.^۱

۱. سخنرانی سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان، در روز عاشورا ۱۴۳۴.

طوفان استواراندیشی!

نرم می‌کنیم و نه طوفان استواراندیشی وزیده است و نه یک نفس استواراندیشی. ما آرزوی یک نفس استواراندیشی عربی از این قبیل را داشتیم. متأسفانه چیزی از این جنس صورت نگرفت. اگر مسئله فریادرسی است، ملت فلسطین ده‌ها سال است و تا امروز فریاد کمک‌خواهی‌شان از شما بلند است.

اگر هدف، نجات ملت یمن است، چرا ملت فلسطین را ده‌ها سال است رها کرده‌اید و هیچ حرکتی نمی‌کنید؟ بلکه علیه این ملت توطئه، آن را تقسیم و از یاری‌اش فروگذار کرده‌اید و آن را به اسرائیلیان و آمریکایی‌ها فروخته‌اید!

۱. سخنرانی سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان، درباره تحولات یمن، فروردین ۱۳۹۴.

وقتی نیمه‌شب در اخبار، خبر آغاز جنگ سعودی علیه یمن، تهاجم‌ها و بمباران‌های گسترده را شنیدیم و سپس گفته شد ده کشور و... ائتلافی تشکیل داده‌اند و این جریان را «طوفان استواراندیشی» نام نهاده‌اند، فقط من نبودم که این به ذهنم رسید. بنده یکی از افرادی بودم که این مسئله به ذهنشان رسید. از آن لحظه تا الآن که اخبار و تفسیرهای خبری را پیگیری می‌کردم، دیدم بسیاری از افراد همین را می‌گویند: «مگر چه شده است که طوفان استواراندیشی نظام سعودی و هم‌پیمانانش وزیدن گرفته و شاهد استواراندیشی، شهادت، شجاعت، دلاوری و اراده عربی هستیم؟» ماشاءالله. بسیار جالب است؛ ولی دردآور این است که ما ده‌ها سال است از سال ۱۹۴۸ تا امروز در فلسطین و منطقه اطراف آن با دردها و مصائب وجود رژیم اسرائیلی در فلسطین دست‌وپنجه





تا قله راهی نیست

باید حجم دستاوردها و پیروزی‌هایی را که تا امروز تحقق یافته و در طول ده‌ها سال متراکم شده است، به‌خوبی بشناسیم. این تراکم به‌ویژه از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران به‌رهبری حضرت امام خمینی (قدس سره) و با خون ده‌ها

هزار شهید از فرزندان ملت عزیز ایران و حوادث، دلاوری‌ها و پیروزی جنبش‌های مقاومت در همه عرصه‌ها صورت گرفته است، تا می‌رسیم به جان‌فشانی‌های عظیم امروز عزیزانمان در فلسطین اشغالی به‌طور کلی و نوار غزه به‌طور خاص و این ده‌ها هزار شهید و جانباز در کنار آوارگی، گرسنگی، محاصره، نسل‌کشی و پشتیبانی جبهه‌های مقاومت به‌ویژه در لبنان، یمن و عراق.

این دستاوردها و پیروزی‌ها امت ما را در مسیر پیروزی بزرگ و نهایی یعنی آزادسازی فلسطین از اشغال صهیونیست‌ها و آزادسازی سراسر منطقه‌مان از هژمونی و سلطه آمریکا قرار داده‌اند. این پیروزی نهایی که به آن چشم دوخته‌ایم، نیازمند ادامه عمل و جهاد خستگی‌ناپذیر و طبیعتاً زمان است. همچنین نیازمند آن است که بسیار به وعده الهی در زمینه پیروزی و غلبه مؤمنان صادق و مجاهد و به خیر عظیم موجود در مردان، زنان، کودکان و بزرگسالان ملت‌هایمان اطمینان و یقین داشته باشیم. این نیازمند وحدت و انسجام ماست.

مقاومت
سید

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته^۱

۱. پیام سیدحسن نصرالله در کنگره بین‌المللی شهدای مدافع حرم در جبهه مقاومت در مشهد، تیرماه ۱۴۰۳.